

تحلیلی بر اعمال قواعد خاص حل تعارض در مقرره ۲م اتحادیه اروپا و حقوق ایران

همایون مافی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

سیده عارفه سعیدی گل سفیدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱/۲۱)

چکیده

اعمال قاعده حل تعارض یکسان در همه دسته‌های مسئولیت غیرقراردادی به نتایج نامطلوبی منجر خواهد شد. از این رو تدوین‌کنندگان مقرره ۲م اتحادیه اروپا (۲۰۰۷) در خصوص تعیین قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی در بند نوزدهم مقدمه آن تأکید کردند برای آن دسته از ضمانات قهری خاص که اعمال قاعده اصلی ماده ۴ (قانون محل تحقق خسارت) در آنها مانع از تعادل و توازن منطقی میان منافع طرفین دعوا می‌شود، قواعد معینی مقرر شده است. بنابراین، مقرره ۲م در دسته‌های کوچک‌تر شبه‌جرم‌ها شامل مسئولیت ناشی از تولید، رقابت غیرمنصفانه، خسارت زیست‌محیطی، نقض حقوق مالکیت فکری، اعتصاب صنفی (اتحادیه‌ای) و همچنین برخی شبه‌عقدها به تعیین قاعده خاص پرداخته است. در حقوق ایران قواعد حل تعارض خاصی برای الزامات خارج از قرارداد تدارک دیده نشده است. این مقاله با مذاقه در قواعد حل تعارض مقرره ۲م و حقوق ایران به تحلیل آنها می‌پردازد.

واژگان کلیدی

شبه‌جرم، شبه‌عقد، قانون قابل اعمال، قواعد خاص حل تعارض، مسئولیت غیرقراردادی.

۱. مقدمه

مسئولیت مدنی بین‌المللی به معنای وضعیتی است که خسارت ایجادشده در یک کشور دارای یک یا چند عنصر بین‌المللی باشد. قانون حاکم بر چنین اختلافی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. از این رو، انتخاب دادگاه صالح و اعمال قواعد حل تعارض آن در هر کشور به حکمی متفاوت منجر خواهد شد. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ برای پایان دادن به چنین اختلافاتی در سطح اتحادیه، مقررۀ شماره ۸۶۴/۲۰۰۷ با عنوان «مقررۀ رم ۲»^۱ در خصوص قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی را تصویب کرد. این مقررۀ قانون حاکم بر اختلافات غیرقراردادی را در درجه اول قانون کشور منتخب طرفین می‌داند.^۲ در صورتی که هیچ انتخابی صورت نگیرد، قانون محل تحقق خسارت^۳ قابل اعمال خواهد بود.^۴ اما اعمال قاعدۀ کلی محل تحقق زیان در اقسام مسئولیت غیرقراردادی نتایج رضایت‌بخشی ندارد. از این رو مقررۀ در خصوص شبه‌جرم‌های خاص و شبه‌عقدها به وضع قواعد جداگانه‌ای پرداخت. مواد ۵ تا ۹ در بخش دوم مقررۀ رم ۲ به شبه‌جرم‌های خاص اختصاص دارد که عبارت‌اند از مسئولیت ناشی از تولید، رقابت غیرمنصفانه، خسارت زیست‌محیطی، نقض حقوق مالکیت فکری و اعتصاب صنفی (اتحادیه‌ای). مواد ۱۰ تا ۱۳ نیز در بخش سوم در خصوص شبه‌عقدها شامل دارا شدن ناعادلانه، اداره فضولی مال غیر و تعهدات پیش‌قراردادی تدوین شده است. سؤال این است که دلیل تمایز این قسم از تعهدات از سایر تعهدات غیرقراردادی چیست؟ در خصوص هر یک چه قاعدۀ حل تعارض جاری است و چه استثنائی در اعمال آن وجود دارد؟ از این رو مطالب این مقاله در دو قسمت شبه‌جرم‌ها و شبه‌عقدها به بیان قواعد حل تعارض قابل اعمال و ارزیابی آنها با نظر به حقوق ایران می‌پردازد.

۲. تعیین قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از شبه‌جرم‌ها

در این گفتار به ترتیب اهم مواد ۵ تا ۹ مقررۀ رم ۲ در خصوص شبه‌جرم‌های خاص در سه قسمت تحلیل می‌شود.

1. Regulation (EC) No.864/2007 of European Parliament and of the Council of 11 July 2007 on the Law Applicable to Non- Contractual Obligations (Rome II).

۲. بند ۱ ماده ۱۴ مقررۀ رم ۲.

3. Lex loci damni

۴. ماده ۴ مقررۀ رم ۲. این ماده دارای یک استثنا و یک شرط گریز است؛ چنانچه محل اقامت عادی طرفین یک کشور باشد، قانون همان کشور اعمال می‌گردد (بند ۲) و در موردی که از تمام اوضاع و احوال مورد معلوم باشد که مسئولیت مدنی ارتباط آشکار نزدیک‌تری با کشوری غیر از کشوری که در بندهای ۱ و ۲ ذکر شده داشته باشد، قانون آن کشور باید اعمال گردد (بند ۳).

۲.۱. مسئولیت ناشی از تولید

قاعده محل تحقق خسارت در موضوعات مربوط به مسئولیت ناشی از تولید، قاعده مناسبی نیست. قاعده محل تحقق خسارت می‌تواند به حکومت قانونی منجر شود که تنها ارتباط حاشیه‌ای و ضعیف با دعوا دارد. مصداق چنین موردی وقتی است که خسارت به وسیله یک محصول پزشکی ایجاد شود که در طول سفر در کشورهای مختلف به مصرف رسیده است (Garciamartin, 2007: 84).

ماده ۵ مقررۀ رم ۲ به مسئولیت خارج از قرارداد ناشی از تولید اختصاص دارد. این ماده قاعده «اقامتگاه مشترک طرفین» در بند ۲ ماده ۴ و شرط گریز «قانون نزدیک‌ترین ارتباط» در بند ۳ ماده ۴ را ابقا می‌کند، اما قاعده بند ۱ این ماده را با تنظیم سه شق اصلاح می‌کند (Hay, 2007: 145). با این حساب، در دعوی مسئولیت ناشی از تولید قانون محل اقامت مشترک طرفین بر قانون هر کشور دیگری مقدم است. طبق بند ۲ این ماده اگر دعوا ارتباط نزدیک آشکاری با کشور دیگر داشته باشد، قانون همان کشور باید اعمال شود. در حقیقت بند ۲ ماده ۵ چیزی جز تکرار بند ۳ ماده ۴ نیست. این امر نشان می‌دهد که ماده ۵ یک استثنای کلی نسبت به ماده ۴ نیست، بلکه صرفاً نسبت به بند ۱ آن استثنا وارد کرده است.

بنابر بند ۱ ماده ۵، چنانچه طرفین اقامتگاه دائمی‌شان در یک کشور باشد، قانون آن کشور باید اعمال شود. در غیر این صورت، قانون قابل اعمال قانون کشوری است که به ترتیب از طریق یکی از شقوق زیر تعیین می‌شود:

۱-۱. محل اقامت زیان‌دیده - قانون کشوری که در زمان وقوع خسارت، اقامتگاه زیان‌دیده در آن کشور باشد. مشروط بر اینکه محصول تولیدی در بازار آن کشور مورد دادوستد باشد. در غیر این صورت،

۲-۱. محل تحصیل کالا - قانون کشوری که کالا در آن تحصیل شده است. مشروط بر اینکه محصول تولیدی در بازار آن کشور مورد دادوستد باشد. در غیر این صورت،

۳-۱. قانون کشور محل تحقق خسارت - مشروط بر اینکه محصول تولیدی در بازار آن کشور مورد دادوستد باشد.

برای مثال اگر یک آلمانی در کشور هند به دلیل استفاده از کالای معیوبی که از مصر خریداری کرده، مجروح شود، قانون قابل اعمال در صورت طرح دعوی مسئولیت مدنی، قانون آلمان خواهد بود، به شرطی که کالا در آلمان نیز مورد دادوستد باشد. در غیر این صورت قانون مصر حاکم می‌شود، به شرطی که کالا در مصر مورد دادوستد باشد. در غیر این صورت، قانون هند بر دعوا حکومت خواهد کرد، به شرطی اینکه کالا در آنجا مورد دادوستد واقع شود.

در حقوق ایران برخی نویسندگان اصولاً مسئولیت مدنی ناشی از تولید کالاها را به علت مرتبط بودن آن با مصالح ملی و تأثیر آن بر نظم عمومی شبیه مسئولیت جزایی دانسته‌اند و همواره اعمال قانون مقرر دادگاه را توصیه کرده‌اند. از طرف دیگر، می‌توان با مقایسه مسئولیت مدنی با مسئولیت جزایی قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از کالا را تابع قانون وقوع مسئولیت مدنی یا محل وقوع حادثه تلقی کرد (جعفری تبار، ۱۳۷۵: ۱۷۸). پذیرش نظریه اخیر با دشواری روبه‌روست، زیرا اعمال قانون محل وقوع حادثه مبنای قانونی ندارد. از این رو اگر طرفین دعوا مسئولیت مدنی در ایران سکونت داشته باشند، می‌توان به استناد ماده ۵ قانون مدنی قانون ایران را به‌عنوان اینکه طرفین سکنة ایران هستند، اعمال کرد. در صورت عدم سکونت طرفین در ایران قانون مقرر دادگاه اعمال خواهد شد، اگرچه قانون مناسب نباشد، زیرا طبق یک قاعده حقوق بین‌الملل خصوصی هر گاه قانونی برای حکومت بر مسئله متنازع‌فیه وجود نداشته باشد، قانون مقرر دادگاه اعمال می‌شود (غریبه، ۱۳۷۹: ۱۳۲-۱۳۱). نمی‌توان پذیرفت که دعاوی مسئولیت مدنی ارتباط تنگاتنگی با نظم عمومی کشور متبوع دادگاه رسیدگی‌کننده دارد، زیرا هدف و مبنای حقوق مسئولیت مدنی برخلاف مسئولیت کیفری جبران خسارت زیان‌دیده است نه حفظ نظم اجتماعی و مجازات بزه‌کاران. از طرف دیگر، قابل اجرا دانستن قانون مقرر دادگاه با این ایراد مواجه می‌شود که چه‌بسا کسی که طبق قانون مقرر دادگاه متخلف شناخته می‌شود، به موجب قانون محل حادثه مسئول نباشد، مانند آنکه کسی از اتباع ایران در انگلیس که رانندگی در آنجا از سمت چپ مجاز است، در همان سمت رانندگی کرده و موجب تصادف با اتومبیل ایرانی دیگر و بروز خسارت برای وی شده باشد و در ایران تقاضا شود که او به گناه رانندگی براساس قانون ایران مسئول شناخته شود. به نظر اینان درباره مسئولیت‌های ناشی رخدادهای مضمول قوانین ایران باید قانون محل وقوع رخداد یا حادثه حکم باشد (سلجوقی، ۱۳۷۷: ۳۹۳-۳۸۸).

۲.۲. رقابت غیرمنصفانه و اعمال محدودکننده رقابت آزاد

۲.۲.۱. رقابت غیرمنصفانه

این مفهوم شامل اعمالی همچون تبلیغات فریبنده، ممانعت از تحویل کالا توسط رقبا، معامله به نام دیگری، تهمت‌های تجاری و گمراه کردن مشتری می‌شود. بندهای ۱ و ۲ ماده ۶ مقررہ رم ۲ قانون حاکم بر این دسته از تعهدات غیرقراردادی را معین می‌کند:

«۱. قانون حاکم بر الزامات قهری ناشی از رقابت غیرمنصفانه، قانون کشوری خواهد بود که در آنجا روابط تجاری رقبا و یا منافع جمعی مصرف‌کنندگان تحت تأثیر قرار گرفته یا خواهد گرفت.»

۲. در جایی که رقابت غیرمنصفانه صرفاً منافع رقیب خاصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ماده ۴ اعمال خواهد شد. بن بر این ماده، هر گاه اقدامی از جانب خواننده منافع بیش از یک رقیب را تحت تأثیر قرار دهد، موضوع مضمول بند ۱ ماده ۶ خواهد بود، یعنی قانون کشوری بر دعوا حاکم خواهد شد که در آنجا روابط تجاری رقبا یا منافع جمعی مصرف‌کنندگان به‌طور بالقوه یا بالفعل تحت تأثیر واقع شود. بند ۲ شامل یک قاعدۀ خاص در مواردی است که رقابت مکارانه، رقیب مشخصی را هدف می‌گیرد، مانند تبانی با کارمندان شرکت رقیب، افشای اسرار تجاری رقیب، تشویق مصرف‌کننده به نقض قرارداد با رقیب. در این‌گونه موارد ضربه مستقیم به منافع شخص وارد می‌آید و تنها به‌طور غیرمستقیم بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Garciamartin, 2007: 86). به موجب این بند، قاعدۀ عام ماده ۴ یعنی قانون محل تحقق خسارت که معمولاً همان مکان بازار تحت تأثیر واقع شده، حاکم است. در نتیجه، قانون اقامتگاه مشترک طرفین و نزدیک‌ترین ارتباط نیز به‌عنوان استثنا و شرط گریز^۱، در صورت وجود شرایط آن اعمال خواهند شد. باید توجه داشت که اگر عمل خواننده تنها سبب ورود خسارت بر مصرف‌کننده واحدی شود، برای مثال تدلیس یک مصرف‌کننده برای خرید کالا، موضوع از قلمرو ماده ۶ خارج و قاعدۀ کلی ماده ۴ بر آن حاکم می‌شود (Dickinson, 2008: 408).

۲.۲.۲. اعمال محدودکنندۀ رقابت آزاد

اصل رقابت بازرگانی آزاد، یکی از اصول اساسی است که معاهدات تشکیل‌دهندۀ اتحادیۀ اروپا مورد توجه قرار گرفته است. منظور از ایجاد محدودیت در رقابت آزاد، انجام اقداماتی است که آزادی عمل را از فعالان تجاری سلب می‌کند. این‌گونه فعالیت‌ها موجب ایجاد محدودیت در رقابت و موجب مسئولیت مدنی تلقی می‌شوند. از این‌رو این اقدامات و توافقات نامشروع و قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از آن براساس بند ۳ ماده ۶ تعیین می‌شود (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). بند ۲۳ مقدمۀ مقررۀ رم ۲ تعدادی از مصادیق آن را برشمرده است: سوءاستفاده از موقعیت تجاری ممتاز، توافقات میان مؤسسات تجاری، تصمیمات اتحادیه‌های صنفی و فعالیت‌های گروهی که اثر مخرب در رقابت آزاد دارند.

۱. در مورد شرط گریز شایان توضیح است که به‌عنوان یک قاعدۀ کلی بند ۱ ماده ۴ مقرر می‌دارد که قانون قابل اعمال بر یک جرم قانون کشوری است که خسارت در آنجا به‌بار می‌آید، صرف‌نظر از محلی که موجب بروز خسارت شده و صرف‌نظر از تبعات غیرمستقیم واقعه‌ای که اتفاق می‌افتد. بند ۲ ماده ۴ به‌عنوان استثنا بر این امر مقرر می‌دارد که وقتی طرفین عادتاً در کشور مشترکی در زمانی که جرم اتفاق می‌افتد ساکن باشند، قانون محل سکونت معمولی مشترک آنها اعمال خواهد شد. با وجود این بند ۳ ماده ۴ به‌عنوان شرط گریز مقرر می‌دارد که وقتی از اوضاع و احوال قضیه برمی‌آید که جرم آشکارا ارتباط نزدیکی با کشوری غیر از کشورهای اشاره‌شده در بندهای ۱ و ۲ دارد، قانون آن کشور اعمال خواهد شد.

به موجب بند ۳ ماده ۶، قانون حاکم بر الزامات قهری ناشی از محدود کردن رقابت، قانون کشوری خواهد بود که در آنجا بازار تحت تأثیر قرار گرفته یا خواهد گرفت. در رقابت غیرمنصفانه به سرزمین جغرافیایی (کشور خاصی) اشاره شده، اما این بند از بازار یک کشور نام برده است. از این رو ممکن است شمول این بازار کشورهای مختلفی را فرا گرفته باشد. برای مثال زمانی که در اثر توافقات غیرقانونی چند شرکت، خسارت در بیش از ده کشور رخ دهد (Garciamartin, 2007: 86). در این گونه موارد اعمال اصل موزائیک^۱، یعنی اعمال قوانین متعدد به ازای خسارت روی داده در هر کشور کار دشواری خواهد بود. به همین دلیل بند «ب» از بند ۳ ماده ۶ اجازه می‌دهد خواهان مبنای دعوی خود را قانون مقرر دادگاه قرار دهد، مشروط بر اینکه اولاً، خواننده در کشور مقرر دادگاه اقامت داشته باشد؛ ثانیاً کشور مقرر دادگاه از کشورهایی باشد که به طور مستقیم و اساسی تحت تأثیر واقع شود. در صورتی که خوانندگان متعدد باشند، خواهان می‌تواند به همین قاعده استناد کند، مشروط بر اینکه اولاً، مطابق قواعد صلاحیتی مقرر دادگاه خواهان مجاز باشد که علیه تمامی آنها در یک دادگاه طرح دعوا کند؛ ثانیاً، فعل هریک از خوانندگان به طور مستقیم و اساسی بازار مقرر دادگاه را تحت تأثیر قرار داده باشد (Garciamartin, 2007: 86). براساس بند ۴ ماده ۶ مقررۀ رم ۲ طرفین امکان عدول از شرایط مذکور را با توافق قراردادی به استناد ماده ۱۴ نخواهند داشت.

۲.۳. نقض حقوق مالکیت فکری

مالکیت فکری حقی است که شخص حقیقی یا حقوقی مکتشف یا مبتکر یک ایده علمی، هنری یا ادبی، نسبت به حاصل اندیشه یا ابداع خود پیدا می‌کند و می‌تواند از حقوق و منافع آن برخوردار شود. این حقوق به فرد ذی‌حق امکان می‌دهد که علیه هر نوع شبیه‌سازی و یا کپی‌برداری بدون مجوز در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی طرح دعوا کند (مرادی، ۱۳۷۷: ۹۵).

در حقوق ایران دادگاه‌ها باید در پی اعمال و حاکم کردن قانونی باشند که به بهترین صورت با چهره جهانی حقوق مالکیت‌های فکری سازگار است. لذا، توجه به آثار و نتایج ناشی از اقدام زیانبار خواننده در منافع و حقوق خواهان بیش از هر عامل دیگر می‌تواند در تنویر ذهن قاضی مؤثر باشد. از این رو، دادگاه‌ها باید بررسی نمایند که در اثر عمل خواننده منافع شخص زیان‌دیده و حقوق مادی و معنوی او نسبت به اثر بیش از هر جا در کدام کشور مورد حمله و انکار یا تضییع واقع شود و بر این اساس قانون همان کشور را اعمال کند (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۲۷۴-۲۷۳).

ماده ۸ مقرره ۲ در این موارد با معرفی دو معیار، قانون صالح بر دعاوی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری را مشخص می‌کند:

۲.۴. قانون محل حمایت از اثر^۱

مطابق بند ۱ ماده ۸ مقرره ۲ «قانون قابل اعمال بر الزامات قهری ناشی از نقض حق مالکیت فکری عبارت است از قانون کشوری که از آن درخواست حمایت شده است». مالکیت فکری، حق غیرملموسی است که این حق گاهی توسط دولت‌ها به اشخاص اعطا می‌شود، پس بدیهی است که قانون همان کشور نیز بر دعوی مسئولیت مدنی ناشی از نقض این حق حاکم باشد (Geller, 2004: 328). محل حمایت از حق با به توجه نوع اثر متفاوت خواهد بود. حقوق مالکیت فکری به دو شاخه تقسیم می‌شود:

۱-۱. حقوق مالکیت صنعتی و تجاری مانند حق اختراع، حق علائم تجاری، حق طرح‌های صنعتی که در صورت نقض هر یک، قانون کشوری حاکم می‌شود که اثر در آنجا به ثبت رسیده باشد. محل ثبت اثر مکانی است که حقوق انحصاری مالک شناسایی و تحت حمایت قرار گرفته است. بنابراین، چنانچه یک تولیدکننده لهستانی بدون اجازه از تولیدکننده آلمانی، از علامت تجاری او که در آلمان به ثبت رسیده است، برای تبلیغات فروش محصولات خود استفاده کند، دادگاه رسیدگی‌کننده (در آلمان یا لهستان)، قانون محل ثبت اثر یعنی قانون آلمان را بر دعوا حاکم خواهد کرد (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۸۷).

۱-۲. حقوق آفرینش‌های ادبی، هنری یا حقوق انحصاری اثر^۲، که متضمن ثبت اثر نیستند، مانند حق نشر، حق ترجمه و حق استفاده از پاداش جایزه. قانون حاکم بر نقض این حقوق قانون کشور محل پیدایش اثر خواهد بود و اگر محل نقض متفاوت از محل پیدایش اثر باشد، قانون همان کشور محل نقض حاکم می‌شود.

بند ۲ ماده ۸ بیان می‌دارد: «در مورد الزامات قهری ناشی از نقض آن دسته از مالکیت‌های فکری که به صورت یکپارچه در قالب حقوق اتحادیه اروپا به وجود آمده است و در اسناد مربوط به آن مقرره‌ای وجود ندارد، قانون قابل اعمال قانون کشوری است که عمل نقض در آن روی داده است». بنابراین، به موجب این قاعده خاص در مورد آن دسته از حقوق مالکیت فکری که مرجع مبدع آن، کشور یا کشورهای به‌خصوصی نیست و مبتکر آنها خود اتحادیه اروپا و سازمان‌های ذی‌ربط آن هستند، از آنجا که اعمال قانون محل حمایت نتیجه‌ای به لحاظ مشخص کردن کشور خاصی ندارد، قانون محل نقض، قانون صلاحیت‌دار حاکم بر دعوا

1. Lex loci Protection
2. Copyright

خواهد بود (Boschiero, 2007: 101). این اسناد حق واحدی را در ابعاد جغرافیایی کل کشورهای اتحادیه اعطا می‌کنند که با حقوق اعطاشده از طریق قوانین ملی متفاوت است. بنابر بند ۳ ماده ۸، مفاد این ماده امری است و با توافق طرفین تغییر نمی‌کند (ماده ۱۴). استثنای اقامتگاه مشترک طرفین (بند ۲ ماده ۴) و شرط گریز قانون نزدیک‌ترین ارتباط (بند ۳ ماده ۴) نیز بر این ماده بی‌تأثیر است. حتی اگر نقض این حقوق به دارا شدن ناعادلانه منجر شود، قانون قابل اعمال در پرتو ماده ۸ تعیین می‌شود نه ماده ۱۰. در نظام حقوقی ایران قانون محل حمایت برابر ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مورخ ۱۳۴۸ در مورد اثری که برای نخستین بار در ایران چاپ یا نشر یا اجرا شده باشد و پیش از آن سابقه چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا در هیچ کشور دیگری را نداشته باشد، اعمال می‌شود. استثنائاً در مواردی که ثابت شود محل چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا در سرزمین ایران نیست، به لحاظ اینکه جلوه و صورت بیرونی نقض اثر در خارج از ایران قانون ایران حاکم نخواهد شد.

۳. قانون حاکم بر مسئولیت ناشی از شبه‌عقدها

مواد بخش سوم مقررده رم ۲ به این موضوع اختصاص دارد. شبه‌عقدها واقعه‌آرادی مشروعی‌اند که سبب ایجاد تعهدی ناخواسته برای شخص، در مقابل دیگری می‌شوند، مانند اداره امور غیر، دارا شدن بلاجهت و ایفای ناروا. عنصر مشترک در همگی آنها، تعهد ناشی از اراده یکجانبه یا دوجانبه است، بی‌آنکه بتوان گفت تأثیر اراده در وقوع آنها و چگونگی شکل‌گیری خود اراده به‌گونه‌ای است که بر اثر آن ایقاع یا عقدی صورت گرفته است. به همین دلیل این قسم خاص، در دسته ارتباط تعهدات غیرقراردادی جای می‌گیرد نه قراردادها. تعهد ناشی از شبه‌عقد مانند تعهد کسی است که بدون سبب مشروع از مال متعلق به دیگری بهره برده است. وصف مشروعیت اراده مؤثر در وقوع آنها موجب تمایز آنها از تعهدات ناشی از جرم و شبه‌جرم شده است. در قانون مدنی عنوان خاصی برای تعهدات ناشی از شبه‌عقد در نظر گرفته نشده است. بخشی از آنها در مواد ۳۰۱ تا ۳۰۷ و بخشی دیگر در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ دیده می‌شود. منشأ تعهدات ناشی از شبه‌عقد واقعه‌آرادی مشروعی است که موجب ایجاد تعهدی ناخواسته برای شخص در برابر دیگری شده است. از این رو می‌توان آن را عاملی مناسب در تعیین جایگاه عینی تعهد دانست. از منظر نظام حقوقی ایران، قانون محل واقعه‌موجد تعهد در این‌گونه تعهدات با قاعده محل مال در مورد موضوعات در خصوص اداره اموال دیگری یا استیفای منفعت از مال غیرهمسو و نتیجه‌آجرائی هر دو قاعده یکی است (سلجوقی، ۱۳۸۹: ۳۹۸-۳۹۷). در زیر در سه قسمت رویکرد مقررده رم ۲ در این زمینه بررسی می‌شود.

۳. ۱. دارا شدن ناعادلانه

دارا شدن ناعادلانه به معنای دارا شدن یک شخص به هزینه شخص دیگر بدون علت مشروع و قانونی است (Webb, 2009: 216). این معنا از دارا شدن بدون علت بسیار گسترده است و هم شامل فرضی می‌شود که کسی بدون سبب مال غیر را در اختیار آورد، مانند غاصب و سارق، و هم شامل حالتی است که دارا شدن ناشی از رابطه حقوقی از پیش موجود باشد، مانند ایفای ناروا (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۸۰) مقررۀ رم ۲ در مادۀ ۱۰ تنها قسم اخیر را پوشش می‌دهد و برای تعیین قانون حاکم چهار معیار را در نظر گرفته است:

۳. ۲. قانون حاکم بر رابطه پیشین

بنابر بند ۱ مادۀ ۱۰ «هنگامی که مسئولیت غیر قراردادی ناشی از دارا شدن ناعادلانه مانند ایفای ناروا، متکی به یک رابطه قبلی موجود بین طرفین باشد، مانند تعهد ناشی از عقد یا یک واقعه زیان‌بار که باعث ایجاد یک رابطه نزدیک با دارا شدن ناعادلانه می‌گردد، در این صورت قانون حاکم بر رابطه حقوقی از قبل موجود، به‌عنوان قانون حاکم بر دارا شدن ناعادلانه تعیین می‌گردد». یکی از موارد عمده دارا شدن ناعادلانه، ایفای نارواست که این امر سبب ایجاد تعهد برای کسی می‌شود که مالی را به ناروا گرفته است، مانند تأدیۀ دین به غیرمدیون یا تأدیۀ دینی که وجود ندارد. بنابراین وجود دین مفروض است، از این رو قانون حاکم بر ضمان ناشی از این ایفای ناروا، قانون کشوری است که بر دین حاکم است. برای مثال اگر بین یک انگلیسی و فرانسوی قرارداد فروشی منعقد شود که در آن قانون کشور انگلیس بر قرارداد حاکم شود، چنانچه خریدار فرانسوی مبلغ را به اشتباه به شخص ثالثی در آلمان بپردازد، قانون حاکم بر دعوای مسئولیت مدنی ناشی از پرداخت ناروا، قانون انگلیس خواهد بود نه قانون آلمان یا فرانسه.

باید توجه داشت که مفهوم رابطه از پیش موجود، علاوه بر قراردادها شامل شبه‌جرم‌ها یا مسئولیت غیر قراردادی نیز می‌شود، مانند آنچه در بخش دوم مقررۀ ذکر شده است. برای مثال اگر طی رقابت مکارانه‌ای پرداخت ناروایی صورت گیرد، قانون حاکم بر دعوای اخیر، همان قانون حاکم بر رقابت غیرمنصفانه خواهد بود، یعنی مکانی که در آن روابط تجاری رقبا یا منافع جمعی مصرف‌کنندگان تحت تأثیر واقع شده است. این امر که همه وضعیتهای مربوط به یک امر حقوقی تحت حکومت یک قانون قرار گیرد، مسائل و مشکلات مربوط به تشخیص نوع رابطه حقوقی، رسیدگی و انطباق میان سیستم‌های حقوقی را کاهش می‌دهد (Garciamartin, 2007: 88).

۳.۳. قانون محل اقامت مشترک طرفین

طبق بند ۲ ماده ۱۰ «هر گاه قانون قابل اعمال را نتوان بر مبنای بند اول تعیین نمود، در صورتی که اقامتگاه طرفین در زمان وقوع فعل دارا شدن ناعادلانه مشترک باشد، قانون همین کشور قابل اجرا خواهد بود». مفاد این بند مشابه بند ۲ ماده ۴ است، با این تفاوت که قاعده اقامتگاه مشترک طرفین در ماده ۴ به عنوان استثنایی بر قاعده محل ایجاد زیان عمل می‌کند، یعنی به محض تحقق شرایط آن (اقامتگاه مشترک در زمان حادثه)، اعمال می‌شود، اما در بند ۲ ماده ۱۰، منوط به عدم امکان اعمال قاعده مندرج در بند ۱ است. برای مثال چنانچه مفاد قانون حاکم بر رابطه پیشین به دلیل تعارض با نظم عمومی کشور مقرر دادگاه قابل اعمال نباشد و طرفین در زمان وقوع دارا شدن ناعادلانه در یک کشور اقامت داشته باشند، قانون همان کشور اعمال خواهد شد.

۳.۴. قانون محل وقوع دارا شدن ناعادلانه

به موجب بند ۳ ماده ۱۰ «هر گاه نتوان بر مبنای بند ۱ و ۲ قانون قابل اعمال را تعیین نمود، قانون کشوری که دارا شدن ناعادلانه در آن واقع شده است، حاکم می‌گردد». برای مثال اگر در اثر اشتباه صندوق‌دار بانکی در پاریس، مبلغی به حساب شخصی در بانک سوئیس پرداخت گردد و به هر علتی مفاد «ب» بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰ قابل اجرا نباشند، قانون محل دارا شدن بلاجهت، یعنی سوئیس قابل اجرا خواهد بود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تدوین‌کنندگان قانون محل وقوع فعل (محل دارا شدن) را بر قانون محل زیان (محل کاسته شدن دارایی) ترجیح داده‌اند، زیرا دارا شدن جنبه مثبت، ولی کاسته شدن دارایی جنبه منفی دارد و ظهور و تجلی دارا شدن از نظر خارجی بیش از کاسته شدن دارایی است. بنابراین محل دارا شدن، عنصر اساسی به منظور تعیین قانون حاکم را تشکیل می‌دهد. به علاوه این دارا شدن است که منشأ الزام و تعهد گیرنده مال، به بازپرداخت آن است (عاشوری، ۱۳۸۹: ۳۱۴).

از نظر حقوق ایران باید گفت که نظریه دارا شدن غیرعادلانه در مواد ۳۰۱ تا ۳۰۶ و ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی وجود دارد. از تلفیق این مواد استنباط می‌شود که حقوق ایران اجازه نمی‌دهد شخصی به زیان شخص دیگر دارایی خود را من غیر حق افزایش دهد یا منافی را تحصیل کند (شیرازی، ۱۳۶۵: ۱۰۸). در مورد الزام‌های غیرقراردادی هر چند قاعده‌ای که شامل همه تعهدات شود وجود ندارد، ولی در غصب می‌توان به قانون حاکم بر محل استیلا بر عین یا تلف و در مسئولیت مدنی به قانون محل وقوع خسارت و در استیفای نامشروع به قانون محل استفاده از مکان وفای به عهد استناد کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۶۵).

۳.۵. قانون نزدیک‌ترین ارتباط

برخلاف دو بند پیشین که به صورت سلسله‌مراتبی اعمال می‌شوند (در فرض عدم امکان اعمال بند قبل)، بند ۴ ماده ۱۰ استثنایی بر هریک از قواعد ذکر شده است: «هر گاه جمیع اوضاع و احوال و شرایط ایجاب کند که مسئولیت غیرقراردادی ناشی از دارا شدن ناعادلانه، رابطه نزدیک آشکاری با کشوری غیر از آنچه در بندهای ۱، ۲ و ۳ ذکر شده داشته باشد، قانون همان کشور اعمال خواهد شد».

۴. اداره فضولی مال غیر

این نهاد که در حقوق انگلیس به آن نمایندگی اختیاری گفته می‌شود، به معنای اداره امور دیگران^۱ بدون داشتن اذن و در غیاب آنهاست که در صورت وجود شرایط، اداره‌کننده فضول تنها مستحق دریافت هزینه‌های صورت گرفته است و نه پاداش.

در حقوق ایران تعهدات ناشی از اداره فضولی اموال غیر ریشه قراردادی ندارد، زیرا هیچ‌گونه رابطه نمایندگی بین اداره‌کننده و مالک وجود ندارد. قانون‌گذار مدیر فضولی را در حکم وکیل شمرده، ولی مبنای این حکم تراضی بین طرفین نیست و مصالح دیگری موجب شده تا عمل فضولی مدیر به‌طور قهری برای آنان ایجاد تعهد کند. بر این اساس ماده ۳۰۶ قانون مدنی در مورد اداره فضولی اموال غیر در زیر عنوان الزامات بدون قرارداد آمده است. مقنن الزاماتی را بر مدیر فضولی تحمیل می‌کند که مدیر گریزی از آن ندارد. به همین دلیل تعهدات ناشی از این اقدام الزامات خارج از قرارداد نامیده شده است (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۵۱۶-۵۱۳). با اخذ ملاک از ماده ۹۶۸ قانون مدنی می‌توان گفت که در الزامات خارج از قرارداد نیز الزامات قهری ناشی از افعال زیانبار تابع قانون محل وقوع فعل مادی زیانبار است؛ حتی اگر محل وقوع و بروز خارجی زیان در مکانی غیر از مکان وقوع فعل زیانبار قرار گیرد (میرحسینی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۴).

در این زمینه احتمال طرح دو دعوا می‌رود؛ اول دعوی مستقیم، یعنی دعوی جبران ضرری که ممکن است از قصور اداره‌کننده فضولی به اصیل وارد آید؛ دوم دعوی متقابل (دعوی نماینده بی‌اذن) که با جمع بودن شرایط می‌تواند علیه اصیل به سبب جبران مخارج زمان تصدی خود اقامه کند (Rable, 1960: 371). با اینکه هر دو دعوا تنها پیامدهای اداره

۱. ماده ۳۰۶ قانون مدنی ایران به بیان این نهاد پرداخته است. از ظاهر این ماده برمی‌آید که اداره فضولی ویژه امور مالی است و احکام آن در موردی که خدمتی به سود دیگران انجام می‌گیرد، اجرا نمی‌شود. اما به نظر می‌رسد قلمرو این نهاد را نباید محدود به اداره اموال نمود، بلکه به طریق اولی حفظ جان، شرافت و آزادی نیز باید مورد حمایت حقوقی قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۲).

فضولی‌اند، با توجه به عبارات ماده ۱۱ به‌نظر می‌رسد که این ماده تنها قاعده حل تعارض دعوی مستقیم را تعیین کند و دعوی متقابل تابع قانون محل اقامت اصیل باشد. حال اگر دعوا به‌دلیل وجود عامل ارتباط خارجی جنبه بین‌المللی پیدا کند، قانون کدام کشور بر دعوی مطالبه خسارت حاکم خواهد بود. ماده ۱۱ مقررۀ رم ۲ نیز مانند ماده ۱۰، چهار معیار را پیش‌بینی کرده است:

۱. ۴. قانون حاکم بر رابطه پیشین

هنگامی که تعهد غیرقراردادی ناشی از فعلی باشد که شخص بدون مجوز مقتضی انجام داده است و متکی به رابطه قبلی موجود بین طرفین باشد، مانند تعهد ناشی از عقد یا یک واقعه زیانبار که رابطه نزدیکی با آن تعهد غیرقراردادی دارد، در این صورت قانون حاکم بر رابطه حقوقی از قبل موجود، به‌عنوان قانون حاکم بر آن تعیین می‌شود (بند ۱ ماده ۱۱)؛ مانند موردی که یک فرانسوی به شخصی در آلمان برای انجام امور شرکت خود وکالت می‌دهد. اما وکیل آلمانی از حدود اذن موکل تجاوز می‌کند و اتفاقاً در اثر عمل او زیانی به اموال موکل وارد می‌آید. در این صورت همان قانونی که بر عقد وکالت حاکم است، در دعوی مطالبه خسارت نیز صالح خواهد بود (الماسی و افضل‌مهر، ۱۳۸۷: ۱۲).

۲. ۴. قانون محل اقامت مشترک طرفین

برحسب بند ۲ ماده ۱۱ «هر گاه قانون قابل اعمال را نتوان بر مبنای بند ۱ تعیین نمود، در صورتی که اقامتگاه طرفین در زمان وقوع فعل منجر به خسارت یکسان باشد، قانون همین کشور قابل اعمال خواهد بود». باید توجه داشت که این بند نیز مانند بند ۲ ماده قبل، استثنا نیست، بلکه در صورتی اعمال می‌شود که بند ۱ قابلیت اجرا نداشته باشد. برای مثال در صورتی که فعل زیانبار ناشی از اداره مال غیر، متکی به هیچ قرارداد قبلی نباشد؛ یعنی شخص فضول رأساً اقدام به نگهداری اموال دیگری کند و مرتکب خسارت گردد، در این صورت، اگر محل اقامت هر دو هنگام ارتکاب فعل یک کشور باشد، قانون همان‌جا بر دعوا حاکم خواهد بود.

۳. ۴. قانون محل اداره اموال غیر

براساس بند ۳ ماده ۱۱ اگر مفاد دو بند قبل قابل اعمال نباشند، قانون محل وقوع فعل زیانبار حاکم می‌شود. بنابراین، در مثال مذکور، اگر محل اقامت طرفین کشورهای مختلفی باشد، قانون محلی حاکم می‌شود که فضول در آن مبادرت به اداره مال دیگری کرده است. دلیل ترجیح

قانون محل اداره بر قانون محل وقوع مال این است که منشأ التزام و تعهد نماینده بی‌اذن به جبران خسارات وارده به اصیل، عمل اداره اموال و فعل مادی می‌باشد که او در این راستا انجام داده است (الماسی و افضل‌ی مهر، ۱۳۸۷: ۱۴).

۴.۴. قانون نزدیک‌ترین ارتباط

بند ۴ ماده ۱۱ نیز مانند بند ۳ ماده ۴ متضمن یک شرط گریز است. برای مثال «در موردی که از تمام اوضاع و احوال مورد مشخص باشد که تعهد غیر قراردادی ناشی از فعل ارتكابی بدون مجوز در رابطه با کار شخص دیگر (عمل فضولی)، رابطه آشکار نزدیک‌تری با کشوری غیر از آنچه در بندهای ۲، ۱ و ۳ ذکر شد داشته باشد، قانون آن کشور باید اعمال گردد». قاضی رسیدگی‌کننده به موضوع اختلاف باید از بین معیارها و ضوابط مشخص با تفحص در عوامل ذی‌ربط مبادرت به تعیین قانون نزدیک‌ترین پیوند و ارتباط کند. براساس بند ۱۴ مقدمۀ مقررۀ رم ۲ از جمیع اوضاع و احوال و شرایط هر قضیه معلوم می‌شود که یک‌شبه جرم یا بزه آشکارا رابطه نزدیک‌تری با کدام کشور دارد.

در حقوق ایران به‌نظر می‌رسد دادگاه‌ها بتوانند با لحاظ روح قوانین ایران و توجه به ترسیم شیوه‌های حل تعارض قوانین از سوی قانون‌گذار استفاده از مفهوم نزدیک‌ترین ارتباط یا واقعی‌ترین ارتباط یا مرکز ثقل پایگاه تعهدات غیرقراردادی را تعیین کنند و سپس به تعیین قانون صالح مبادرت ورزند.

۵. نقض تعهدات پیش‌قراردادی

مسئولیت پیش‌قراردادی عبارت است از مسئولیت ناشی از فعل زیانباری که در طول دورۀ شکل‌گیری یک قرارداد رخ می‌دهد؛ هرچند اثر این زیان ممکن است بعد از تشکیل قرارداد بروز کند (Hage_chahine, 2012: 452). براساس عنوان ماده ۱۲ مقررۀ رم ۲ و عبارات بند ۳۰ مقدمۀ آن می‌توان نتیجه گرفت که این مسئولیت، مبتنی بر نظریۀ تقصیر است. از این‌رو طرفی که در روند بستن قرارداد برخلاف حسن‌نیت عمل کند و با رفتار قابل سرزنش از نهایه شدن قرارداد جلوگیری کند یا سبب بی‌اعتباری آن در آینده را فراهم کند، باید از عهدۀ زیان دیگری که به بسته شدن قراردادی معتبر امیدوار بوده است، برآید (طالب احمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). اگر در اثر تقصیر یکی از طرفین مذاکرات در یک قرارداد بین‌المللی خسارتی رخ دهد، با مسئله تعارض قوانین مواجه می‌شویم. برای مثال فرد مقیم فرانسه شروع به مذاکره برای فروش کالا با شخص انگلیسی می‌کند. چند هفته بعد از مذاکرات ناگهان طرف انگلیسی بدون دلیلی به آن خاتمه می‌دهد. طرف فرانسوی برای جبران هزینه‌های متحمل‌شده علیه طرف انگلیسی اقامۀ دعوی

مسئولیت پیش‌قراردادی می‌کند. موضوع این است که آیا قانون فرانسه که در صورت لغو مذاکرات به دلیل سوءنیت به جبران خسارت حکم می‌دهد، باید اعمال شود یا قانون انگلیس که وظیفه حسن‌نیت در طول مذاکرات را تحمیل نمی‌کند و در نتیجه سبب تبرئه خواننده از مسئولیت می‌شود باید بر این موضوع حاکم شود؟ (Hage_chahine, 2012: 454).

در حقوق ایران نیز در مورد تخلف از پیش‌قراردادی که درباره ایجاب بسته شده، گفته شده است که برای گوینده آن مسئولیت مدنی به وجود می‌آورد. این مسئولیت ناشی از نقض عهد است و جنبه قراردادی دارد. به همین دلیل طرف ایجاب از اثبات تقصیر ایجاب‌کننده معاف است. دادگاه بدون داشتن اجبار در این مورد می‌تواند در صورت لزوم و به‌عنوان وسیله جبران ضرر حکم به انعقاد قرارداد بدهد و عدول از ایجاب را از بین ببرد و سبب شود که قبول پس از آن نیز عقد را واقع سازد (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۳۲۳). با وحدت ملاک از ماده ۹۶۸ قانون مدنی که تعهدات ناشی از عقود را تابع قانون محل وقوع عقد قرار داده است، به نظر می‌رسد که الزامات غیرقراردادی یا مسئولیت‌های خارج از قرارداد با توجه به روح قانون اصولاً تابع قانون محل وقوع هستند (عاشوری، ۱۳۸۹: ۲۵۵).

ماده ۱۲ مقررۀ رم ۲ با بیان یک قاعده کلی و سه قاعده تکمیلی، قانون صالح را در این خصوص معین می‌کند:

۱. ۵. قانون حاکم بر قرارداد^۱

به موجب بند ۱ ماده ۱۲ مقررۀ رم ۲ «قانون قابل اعمال بر یک تعهد غیرقراردادی ناشی از نقض مذاکرات مقدماتی، صرف‌نظر از اینکه قرارداد واقعاً منعقد گردیده یا خیر، قانونی خواهد بود که بر قرارداد اعمال می‌شود یا در صورت منعقد شدن بر آن اعمال می‌گردد». بنابراین، اگر از نقض تعهداتی که در مذاکرات پیش‌قراردادی صورت می‌گیرد زیانی وارد آید، قانون حاکم بر همان قرارداد بر جنبه غیرقراردادی نیز حاکم می‌شود. نحوه تعیین قانون حاکم بر قرارداد را پیش از این کنوانسیون ۱۹۸۰ رم معین می‌کرد که بعدها مقررۀ رم ۱ مورخ ۲۰۰۸ جایگزین آن شد. برگزیدن قانون حاکم بر قرارداد چند مزیت دارد؛ از یک سو آسان‌تر از اجرای قاعده عام محل خسارت است، زیرا تعیین محلی که خسارت رخ می‌دهد، در این دسته ارتباط خاص دشوار است. از سوی دیگر، اغلب مسئله مسئولیت مدنی ارتباط نزدیکی با این امر دارد که آیا قرارداد منعقد شده است یا نه (Garciamartin, 2007: 89).

در حقوق ایران می‌توان با توجه به ماده ۹۶۸ قانون مدنی نقض تعهدات ناشی از مذاکرات پیش‌قراردادی را به تأسی از خود قرارداد تابع قانون حاکم بر قرارداد قرار داد.

۲. ۵. قواعد تکمیلی

بند ۲ مادۀ ۱۲ به ارائه راهکارهایی می‌پردازد که در صورت عدم امکان اجرای بند ۱ جایگزین می‌شوند. در موردی که قانون قابل‌اعمال را نتوان براساس بند ۱ معین کرد، قانون حاکم باید: (الف) قانون کشوری باشد که خسارت در آن روی داده است، صرف‌نظر از کشوری که حادثۀ منجر به خسارت در آن اتفاق افتاده و صرف‌نظر از کشور یا کشورهایی که نتایج غیرمستقیم حادثۀ در آن ایجاد شده است؛ یا (ب) در موردی که اقامتگاه معمولی طرفین در زمان وقوع حادثۀ منجر به خسارت، در یک کشور باشد، قانون آن کشور اعمال می‌شود؛ یا

(ج) در موردی که از تمام اوضاع و احوال مورد مشخص باشد که تعهد غیرقراردادی ناشی از نقض مذاکرات پیش از انعقاد قرارداد، رابطۀ آشکار نزدیک‌تری با کشوری غیر از آنچه در شق «الف» و «ب» ذکر شده است، داشته باشد، قانون آن کشور دیگر اعمال می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این بند مشابه مادۀ ۴ است و معلوم نیست بر چه اساس به جای ارجاع به این ماده مجدداً مفاد آن تکرار شده است. به‌علاوه عبارت «یا» که بین هر شق استفاده شده، مبهم و گمراه‌کننده است. معلوم نیست آیا قانون محل اقامت مشترک طرفین در اولویت است یا قانون محل تحقق خسارت، زیرا هر دو به موازات هم تبیین شده‌اند. گذشته از اینها وجود این بند به‌عنوان یک قاعدۀ تکمیلی توجیه صریحی ندارد، زیرا مسئولیت پیش‌قراردادی در خصوص یک قرارداد شکل می‌گیرد و در هر صورت راهی برای تعیین قانون حاکم بر قرارداد وجود دارد.

۶. نتیجه‌گیری

مقررۀ رم ۲ در تعیین قانون حاکم در مسائل خاص تعهدات غیرقراردادی تنها به بیان یک قاعدۀ خشک و انعطاف‌ناپذیر اکتفا نکرده، بلکه در هر مورد نظامی چندگانه از قواعد حل تعارض را برای دستیابی به بهترین نتیجه به لحاظ قابلیت پیش‌بینی، انعطاف‌پذیری و ایجاد توازن منطقی بین طرفین ایجاد کرده است. چنانکه ملاحظه شد، در مسئولیت ناشی از تولید، به‌ترتیب قانون محل اقامت دائمی طرفین، محل اقامت زیان‌دیده، محل تحصیل کالا و محل اقامت مشترک طرفین، قانون قابل‌اعمال خواهد بود. در رقابت غیرمنصفانه و اعمال محدودکننده رقابت آزاد، قانون کشوری که منافع رقبا و مصرف‌کنندگان یا بازار تحت تأثیر واقع شود، حاکم خواهد شد. قانون محل حمایت از اثر یا قانون محل نقض حسب مورد در مسئولیت ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری بر دعوا حاکم می‌شود. در خصوص دارا شدن ناعادلانه و اداره فضولی مال غیر و تعهدات پیش‌قراردادی علاوه بر در نظر داشتن قانون حاکم بر رابطۀ پیشین و قانون محل

اقامت مشترک طرفین و قانون نزدیکترین ارتباط، حسب مورد قانون محل وقوع دارا شدن ناعادلانه، قانون محل اداره اموال غیر و قانون حاکم بر قرارداد ملاک عمل خواهد بود.

در حقوق ایران نمی‌توان از اعمال قانون واحد در مورد الزامات غیرقراردادی صحبت به میان آورد، به‌ویژه اینکه قاعده حل تعارضی که شامل تمامی تعهدات غیرقراردادی باشد، در قانون وجود ندارد، بلکه در هر مورد باید ابتدا محل وقوع این الزامات را به‌طور دقیق مشخص کرد و سپس دادگاه‌ها قانون مناسب حاکم بر هر مورد را با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و عوامل ارتباط دعوا از میان قوانین کشورهای مرتبط تعیین کنند. در خصوص الزامات غیرقراردادی این قبیل الزامات بیشتر تابع قانون حاکم بر محل وقوع تعهدات غیرارادی دانسته شده است. به بیان دیگر، در حقوق ایران قانون حاکم بر مسئولیت مدنی مورد اشاره قانون‌گذار قرار نگرفته و قواعد خاصی به آن اختصاص داده نشده است، به‌جز مقررات قانون مدنی در الزامات بدون قرارداد (مواد ۳۰۱ تا ۳۳۷) و مقررات مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ قواعد خاص حل تعارض متناظر ایرانی همچون مقررات خاص ر.م ۲ وجود ندارد. بنابراین، قاضی باید در الزامات قهری یا خارج از قرارداد در هر مورد با جست‌وجوی عوامل ارتباط منطقی و ذی‌ربط به تعیین قانون صلاحیت‌دار بپردازد.

منابع

الف) فارسی

۱. الماسی، نجادعلی؛ افضل‌ی مهر، مرضیه (۱۳۸۷). «قانون حاکم بر شبه‌عقد در تعارض قوانین»، *مجله نامه مفید*، ش ۶۷، ص ۳-۲۶.
۲. جعفری تبار، حسن (۱۳۷۵). *مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا*، ج اول، تهران: دادگستر.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*، ج بیست‌ودوم، کتابخانه گنج دانش.
۴. سلجوقی، محمود (۱۳۷۷). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد دوم، تعارض قوانین، ج اول، تهران: دادگستر.
۵. ----- (۱۳۸۹). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، ج دوازدهم، تهران: میزان.
۶. شیرازی، اکبر (۱۳۶۵). «مروری اجمالی بر تئوری دارا شدن غیرعادلانه در حقوق ایران، آمریکا و بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۵، ش ۵.
۷. طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۸). «تقصیر در گفتگوهای مقدماتی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دور اول، ش ۳، ص ۱۵۳-۱۸۱.
۸. عاشوری، مهدی (۱۳۸۹). *تعارض قوانین در مسئولیت خارج از قرارداد*، ج اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۹. غریبه، علی (۱۳۷۹). «دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بین‌المللی»، در *مقالات حقوقی*، مجموعه نخست، تهران: فروزش، ص ۱۳۲-۱۱۹.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۲). *حقوق مدنی، ضمان قهری- مسئولیت مدنی*، ج اول، تهران: بهنشر.
۱۱. ----- (۱۳۶۴). *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، ج اول، تهران: بهنشر.
۱۲. ----- (۱۳۷۶). *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۴، ج اول، تهران: بهنشر.
۱۳. ----- (۱۳۸۳). *حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، ج دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۴. مرادی حسن (۱۳۷۷). «نکاتی در خصوص حقوق مالکیت معنوی»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۹۵-۱۰۴.
۱۵. میرحسینی، مجید (۱۳۹۳). مبانی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران، ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

(ب) خارجی

16. Boschiero, Nerina (2007). *Infringement of Intellectual Property Rights*, Yearbook of Private International Law, Vol IX, European Law Publisher, Swiss Institut of Comparative Law.
17. Dickinson, Andrew (2008). "The Rome II Regulation on the Law Applicable to Non-Contractual Obligations", London, Oxford University Press.
18. Garcimartín Alférez, Francisco J (2007). "The Rome II Regulation: On the Way Towards a European Private International Law Code", *The European Legal Forum*, 7th year, pp 77 – 91.
19. Geller, Paul Edward (2004). "Conflicts of Laws in Copyright Cases :Infringement and Ownership Issues", *Journal Copyright Society of the U.S.A.* pp 315-394.
20. Hage-chahine, Najib (2012). "Culpa in Contrahendo in European Private International Law: Another Look at Article 12 of the Rome II Regulation", *Northwestern Journal of International Law & Business*, Vol. 32, Issue 3, pp. 451-540.
21. Hay, Peter (2007). "Contemporary Approaches to Non-Contractual Obligations In Private International Law (Conflict of Laws) and the European Community Rome II Regulation", Emory University, *The European Legal Forum*, 7th year, pp 137 – 152.
22. Rable, Ernest (1960), *The Conflict of Laws, A Comparative Study, Second Edition* < Vol 2, *Foreign Corporations: Torts: Contracts in General*, University of Michigan.
23. Roland, H. Et Boyer, Laurent. (1985). *Expressions Latines Du Droit Francai.*. Lyon: L'Hermes.
24. Webb, Charlie (2009). "What is Unjust Enrichment?", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol 29, pp 215-243.